

The Role of Social Participation in Improving the Performance of Urban Space Crisis Management Case Study: Robot Karim City

Parisa Hamedani¹, Ruhollah Rostami^{2*}.

1- M.A of Urban Planning, Research Sciences Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

2- Instructor of Social Sciences, Payame Noor University, Tehran, Iran

Received: 2 October 2020

Accepted: 24 January 2021

Extended Abstract

Introduction

The importance of crises, natural and unnatural disasters in human settlements due to the unpredictable nature of disasters and hazards and the need for quick and correct adoption to prevent and reduce the consequences of crises, a knowledge called crisis management has been created. Also, given that most events happen suddenly, it is necessary to make the accurate decision at the appropriate time. These decisions should include pre-, during- and post-crisis measures in the form of knowledge and principles of crisis management. Before pursuing any long-term goals, the role of social participation is essential to ensure the stability and continued success of crisis management. Effective crisis management requires a systematic approach based on social participation, managerial sensitivity, and a proper understanding of the importance of crisis management by residents. In this regard, the present study tries to examine the role of citizen participation in improving the performance of urban space crisis management because local communities with their extensive participation have always been the first to help those affected by the crisis. Therefore, they should be empowered as much as possible. The location of the present study is the city of Robot Karim. This is doubly important in the city of Robot Karim, given that it is a city that has the potential for many dangers and crises. Therefore, the main question is as follow:

what is the role of social participation in improving the performance of crisis management in the city of Robot Karim?

Methodology

This research is applied and descriptive-analytical one in terms of purpose and research method, respectively. Data collection has been done by two predominant documentary and field methods. Thus, in the theoretical foundations section, articles, dissertations and library documents have been used, and in the field section, questionnaire tools have been exerted. The statistical population of the study is 105393 people of Robot Karim in 2016. Using Cochran's formula, 383 people were randomly selected as the statistical sample size. Research indicators were extracted from sources and studies as research background and then these indicators were provided to experts in the form of a questionnaire to confirm their validity according to the conditions of the region. We used Cronbach's alpha test to ensure the reliability or reliability of the research. After performing the test, the statistical value was calculated with 0.798 more than

* . Corresponding Author (Email: sokhtah@gmail.com)

Copyright © 2021 Journal of Sustainable City. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution- noncommercial 4.0 International License which permits copy and redistribute the material just in noncommercial usages provided the original work is properly cited.

0.75, which indicates the acceptable reliability of the research. In order to analyze the data, a questionnaire was developed and completed to receive residents' opinions and then using SPSS software and statistical methods such as correlation coefficient and simple linear regression test to analyze the data.

Results and discussion

In the present study, social participation with three indicators (participation in decision-making and management, participation in financing, participation in human resources) and 14 sub-indicators as independent variables and crisis management with three indicators (social, physical, management and rescue) and 14 sub-indices have been measured as dependent variables. According to the test results, it was found that Pearson correlation coefficient of two variables is equal to 0.783 and the value of the adjusted coefficient of determination is equal to 0.579, which indicates the ability of the independent variable to explain the variance of the dependent one. That is, the independent variable explains 57% of the dependent changes, and the rest of these changes, known as the error quantity squares, are influenced by variables outside the model. Also, the value of Watson's camera is equal to 1.23, which indicates that the remains are independent of each other. The value of regression for this model is equal to 28.27 and the residual value is equal to 21.80 and because the amount of residual squares is less than the sum of regression squares, it shows that the high explanatory power of the model in explaining the changes of the dependent variable.

Conclusion

It can be summarized that with the expansion of citizen participation, the ability and performance of crisis management in this city will improve. And in the crisis management system of Robat Karim city, the most basic component is the increase of social participation, and this increase of participation is possible with a community-based and people-centered strategy. Therefore, in the first step, the capacities of the society should be identified and used while covering the existing gaps and needs of the people and regions / neighborhoods. Therefore, the development of this capacity and the use of other social and civic capacities with high social mobility and the use of these potentials should be put on the agenda.

Keywords: Social Participation, Crisis Management, Robat Karim City.

نقش مشارکت اجتماعی در بهبود عملکرد مدیریت بحران فضای شهری مطالعه موردی: شهر رباط کریم

پریسا همدانی - کارشناسی ارشد شهرسازی، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
روح الله رستمی^۱ - مربی علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۰۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۱۱

چکیده

امروزه مدیریت بحران یک بخش اساسی از مسائل شهری است. قبل از تعقیب هرگونه اهداف بلند، نقش مشارکت اجتماعی برای تضمین ثبات و موفقیت مستمر مدیریت بحران ضروری است. مدیریت بحران مؤثر نیازمند یک رویکرد منظم و نظام‌مند مبتنی بر مشارکت اجتماعی، حساسیت مدیریتی و یک درک خوب از اهمیت مدیریت بحران از سوی ساکنین است. هدف پژوهش حاضر بررسی نقش مشارکت اجتماعی در بهبود عملکرد مدیریت بحران شهری در شهر رباط کریم است. در این راستا پس از بررسی مباحث نظری در حوزه مشارکت اجتماعی و با تکیه بر مباحث مدیریت بحران شاخص‌های تأثیرگذار بر مشارکت اجتماعی شناسایی شدند. روش تحقیق، پیمایشی و جامعه آماری شهروندان شهر رباط کریم می‌باشند که به شیوه نمونه‌گیری تصادفی ۳۸۳ نفر با روش کوکران به‌عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. یافته‌های تحقیق نشان داد که ضریب همبستگی مشارکت اجتماعی و مدیریت بحران با ضریب ۰/۷۸۳ معنادار می‌باشد و با استفاده از آزمون رگرسیون خطی نقش مشارکت اجتماعی با ۰/۷۶۵ درصد در بهبود عملکرد مدیریت بحران مثبت ارزیابی شده است. در واقع می‌توان گفت با ارتقاء یک واحد از هر متغیر مستقل (مشارکت اجتماعی) به میزان ضریب نوشته‌شده متغیر وابسته ارتقاء پیدا خواهد کرد. بنابراین در نظام مدیریت بحران شهر رباط کریم، اساسی‌ترین مؤلفه، افزایش مشارکت اجتماعی است.

واژگان کلیدی: مشارکت اجتماعی، مدیریت بحران، شهر رباط کریم.

مقدمه

بحران‌ها رویدادهایی هستند که موجب بروز اختلال در کارکرد طبیعی جامعه و دور شدن افراد از نظام عملکرد، فعالیت و روند برنامه‌ریزی‌ها می‌شوند. این وقایع با توجه به نوع و اثرات خود به دو طیف طبیعی و انسان‌ساخت تفکیک می‌شود. اغلب حوادث غیرمترقبه اثرات منفی بر جوامع انسانی، محیط طبیعی و اقتصاد می‌گذارد. اهمیت این مسائل در سکونتگاه‌های انسانی و با توجه به ماهیت غیر پیش‌بینی حوادث و مخاطرات و لزوم اتخاذ سریع و صحیح در جهت پیشگیری و کاهش پیامدهای ناشی از بحران‌ها دانشی تحت عنوان مدیریت بحران به وجود آمده است. همچنین با توجه به این که اکثر وقایع به‌طور ناگهانی اتفاق می‌افتد، لازم است در زمان مناسب تصمیم‌گیری صحیح صورت گیرد (دربان آستانه و همکاران، ۱۳۹۶: ۴۶۷). این تصمیم‌گیری‌ها بایستی شامل اقداماتی برای قبل، حین و بعد از بحران در قالب دانش و اصول مدیریت بحران صورت گیرد. مدیریت بحران فرآیند برنامه‌ریزی و عملکرد می‌باشد که با مشاهده سیستماتیک بحران‌ها و تجزیه و تحلیل آن‌ها در جستجوی یافتن ابزاری است که به‌وسیله آن بتوان از بروز بحران‌ها پیشگیری نموده و یا در صورت بروز آن در خصوص کاهش اثرات، آمادگی لازم، امدادسانی سریع و بهبودی اوضاع اقدام نمود (یاراحمدی، ۱۳۸۵: ۲). به حداقل رساندن کاهش خسارات ناشی از بحران می‌تواند در مقیاس‌های مختلفی از جمله سطح ملی یا محلی و مردمی انجام شود. نمونه‌هایی از اقدامات کاهش بحران شامل تقویت مقاومت جوامع از طریق ارتقاء آگاهی، از خطرات احتمالی، انتشار دانش در مورد آمادگی در برابر بلایای طبیعی و مدیریت معقول‌تر منابع و امکانات می‌باشد (Huppert & Sparks, 2006: 1877) این اقدامات بیشتر از طریق سطح محلی امکان‌پذیر می‌باشد. کاهش خطرات و خسارات بحران می‌تواند توسط شبکه‌های اجتماعی تقویت شود. تلاش برای ارتقا کاهش خطر غالباً بر اهمیت مشارکت جامعه تأکید دارد؛ ممکن است سازمان‌های دولتی و غیردولتی برنامه‌های مدیریت بحران را آغاز کنند اما پایداری این فعالیت‌ها در درجه اول به مشارکت و مالکیت جوامع محلی بستگی دارد (Shaw, 2012: 11). بنابراین یکی از ارکان اصلی مدیریت بحران مشارکت اجتماعی است. تا حدی که، امروزه مدیریت بحران در قالب اداره مردمی و خردمندان سنجیده می‌شود.

شواهد متعددی از کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه در خصوص لزوم مشارکت مردم در امر مدیریت خطرات و بلایا که به‌عنوان یکی از اجزا توسعه پایدار مطرح است، وجود دارد. این تجربیات حاکی از آن‌اند که اقدامات دولتی و سازمان‌ها به‌تنهایی کافی نبوده و در بسیاری از موارد با نادیده گرفتن نیازها و ارزش‌های محلی همراه‌اند و نهایتاً باعث افزایش هزینه‌های بالا نسبت به اقدامات پیشگیرانه می‌گردد (عموزاده خلیلی و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۵۶). لذا اقدامات کاهش خطرات و بلایا زمانی حداکثر توان بخشی را دارا خواهد بود که با مشارکت مستقیم مردمی که در معرض مخاطرات هستند همراه باشد و رهبران محلی، اعم از مردان و زنان در بخش‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی نسبت به حفظ جامعه خود نیز احساس مسئولیت کنند (اکبرپور و پورمحمد، ۱۳۹۰). مؤلفه‌های اجتماع‌محور، امروزه جایگاه بسیار والایی را در زمینه مدیریت بحران به خود اختصاص داده است. چرا که در مواجهه با بلایای گوناگون و کاهش خسارات ناشی از آن‌ها، گذر از پارادایم سنتی مدیریت بحران که در آن تمرکز بر رویکرد فیزیکی و ساختاری بوده، به رویکرد نوین مدیریت بحران اجتماع-محور صورت گرفته است. بنابراین بایستی مشارکت‌های اجتماعی را جزو رؤس اصلی مدیریت بحران دانست.

کشور ایران به دلیل موقعیت جغرافیایی و تنوع آب و هوایی به‌عنوان یکی از متأثرترین کشورهای جهان از نظر حوادث طبیعی شناخته می‌شود (Mousavi et al, 2018: 189). وقوع سیل‌های مختلف، زمین‌لرزه‌ها، طوفان‌ها، خشک‌سالی و غیره خسارات انسانی و مالی زیادی را در این کشور به وجود آورده است (فتاحی و همکاران، ۱۳۸۸: ۵۸). در کشور ایران، کلان‌شهر تهران به‌طور خاص می‌باید از منظر انواع بحران‌ها و فرآیند مدیریت بحران مورد توجه قرار گیرد؛ چرا که نه تنها

از نظر طبیعی و اقلیمی امکان وقوع برخی بحران‌ها در این شهر وجود دارد، بلکه گسترش شهر و افزایش جمعیت آن در دهه‌های اخیر نیز در صورت وقوع بحران بر پیامدهای آن دامن می‌زند و در میان شهرهای این کلان‌شهر شهر رباط‌کریم به دلیل وجود گسل‌های فعال در دو طرف در فاصله اندک از شهر با پتانسیل زیاد خطر زمین‌لرزه مواجه است. در نیمه جنوب غربی شهر نیز به علت گسترش و تراکمی، مخروط افکنه‌های آبرفتی تحت تأثیر شرایط توپوگرافی، شیب و زهکشی ضعیف در اثنا بارش‌های شدید با سیلاب‌های ناگهانی یا آب‌گرفتگی مواجه است. از طرفی دیگر اکثر مسکن موجود مقاومت لازم در برابر بلایای طبیعی را ندارند، بیشتر این ساختمان‌ها با مصالح بی‌دوام، نامرغوب و بدون رعایت اصول فنی و مهندسی ساخته شده‌اند، وضعیت نامناسب استقرار عناصر کالبدی و کاربری‌های شهری، شبکه ارتباطی ناکارآمد، بافت فشرده، کمبود و توزیع نامناسب فضاهای باز و مواردی از این قبیل آسیب‌پذیری مسکن و فضاهای شهری شهر رباط‌کریم را در برابر بحران‌های طبیعی تشدید کرده است. بر این اساس با توجه به اثرات تخریبی بلایای طبیعی و با توجه به این مطلب که شهر رباط‌کریم در معرض بلایا و مخاطرات طبیعی است، پرداختن به برنامه‌ها و اصول کاهنده بلایای طبیعی و اثرات آن‌ها، توجهی ویژه را می‌طلبد. یکی از برنامه‌ها و اقداماتی که بایستی مدیریت شهری و بحران این شهر به آن توجه ویژه داشته باشند اهمیت دادن به مشارکت اجتماعی ساکنین این شهر در زمان وقوع بحران است. چراکه با توجه به اهمیت روزافزون جلب مشارکت‌های مردمی در مدیریت مسائل شهری و از طرف دیگر امکان وقوع بحران‌های غیرمترقبه در این شهر توجه به نقش مشارکت اجتماعی در ارتقای مدیریت بحران و به‌عنوان مکملی در کنار مدیریت شهری بسیار حائز اهمیت است. زیرا اجتماعات محلی با مشارکت‌های گسترده خود همواره اولین کمک‌کنندگان به آسیب دیدگان پس از وقوع بحران بوده‌اند. بنابراین باید به توانمندسازی هرچه بیشتر آن‌ها مبادرت ورزید. این امر در شهر رباط‌کریم نیز با توجه به اینکه شهری است که پتانسیل مخاطرات و بحران‌های زیادی دارد اهمیت دوچندان می‌یابد. در پژوهش حاضر مسئله عدم مشارکت مردمی وجود ندارد بلکه میزان اهمیت و ضرورت بررسی میزان مشارکت در موضوع مدیریت بحران محرز است. از این‌رو تحقیق حاضر در صدد است تا میزان نقش مشارکت اجتماعی را در بهبود عملکرد مدیریت بحران این شهر بسنجد. بر این اساس این سؤال مطرح است که اساساً نقش مشارکت اجتماعی در بهبود عملکرد مدیریت بحران شهر رباط‌کریم چگونه است؟

نوردمن و هومانسون (۲۰۱۷) در مطالعه خود به بررسی راهبرد فوق‌فعال مدیریت بحران پرداختند و به این نتیجه رسیدند که آگاهی از بحران و آمادگی برای بحران تأثیر مستقیمی بر اقدامات مدیریت بحران دارد ولی عوامل دیگری از قبیل فرهنگ‌سازمانی، آموزش کارکنان و ارتباطات نیز در این زمینه تأثیرگذار هستند. نوفل ویتوروپونگ^۱ و همکاران (۲۰۱۵) در پژوهشی نقش مشارکت اجتماعی و رفتارهای کاهش خطر در بحران‌ها در مناطق مستعد سونامی در تایلند را مورد بررسی قرار داده‌اند و نتایج پژوهش آن‌ها نشان داده است که زنان دارای تحصیلات عالی مشارکت بیشتری در فعالیت‌های جامعه و انجام اقدامات کاهش خطر بلایای طبیعی را دارند همچنین مشارکت‌کنندگان ۵/۲ درصد بیشتر در فعالیت‌های که در روستاهای مستقرند شرکت می‌کنند. نتایج کلی پژوهش بیانگر این است که تشویق مشارکت در فعالیت‌های جامعه می‌تواند در کاهش بلایای طبیعی اثرات مثبت داشته باشد. استارک و تیلور^۲ (۲۰۱۴) در پژوهش تحت عنوان مشارکت شهروندان، تاب‌آوری جامعه و سیاست مدیریت بحران به بررسی این موضوع پرداخته‌اند. این مقاله دو استدلال ارائه می‌دهد. اولین مورد مربوط به ارتباط مشارکت شهروندان در مقابل با اجرای سیاست‌های عمومی است. مورد دوم مشخصه مطالعات مشارکت شهروندان در سیاست‌های عمومی در مدیریت بحران است. باباخانی و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی به بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت نیروهای داوطلب مردمی در زمان بحران پرداخته‌اند نتایج

1 .Nopphol Witvorapong

2 .Stark & Taylor

آزمون‌های توصیفی از میانگین نسبتاً بالای تمایل مردم به مشارکت در هردو بعد خبر می‌دهد؛ به‌طور که میانگین مشارکت در زمان جنگ ۶۵/۵۵ و در حوادث طبیعی ۶۸/۹۴ است. نتایج آزمون‌های آماری تحلیلی نیز در نهایت سه متغیر احساس انومی، اعتماد اجتماعی و انزوای فردی را مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر مشارکت مردم در زمان بحران معرفی می‌کند. ساعی و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی به تحلیل مؤلفه‌های مؤثر بر مشارکت زنان در چرخه مدیریت بحران شهر تهران پرداخته است. نتایج پژوهش نیز حاکی از آن است که مؤثرترین عوامل در مشارکت شامل دانش مدیریت بحران، عوامل فرهنگی و جنسیتی، تقدیرگرایی، احساس قدرت و اعتمادبه‌نفس می‌باشد. که نتایج این چهار بعد با استفاده از تحلیل عاملی مشخص گردید که مجموع متغیرهای این چهار بعد ۶۷/۴۲ درصد از تغییرپذیری متغیرها را تبیین می‌کند.

حیدری و ابراهیمی نژاد (۱۳۹۳) در پژوهشی به بررسی عامل هماهنگی برای جذب مشارکت مردمی در سازمان‌های مدیریت بحران پرداخته‌اند. و به این نتیجه رسیده‌اند که مشارکت در مدیریت بحران تنها نمی‌تواند تک‌بعدی یا مقطعی باشد بلکه باید به‌صورت پایدار و همه‌جانبه صورت گیرد و مشارکت مردم و سازمان‌های بحران در دوره قبل، حین و پس از بحران می‌باشد. عموزاده خلیلی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی به بررسی نقش مشارکت مردمی در بهبود عملکرد مدیریت بحران فضا شهری و عوامل مؤثر بر آن از منظر نظریه مشارکت اجتماعی راجرز در شهر بهشهر پرداخته‌اند. نتایج حاصل از یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که میزان میانگین مشاهده‌شده (۱۱/۶۲) آزمون تی بالاتر از میانگین مورد انتظار (۱۰) است، به عبارتی نقش مشارکت شهروندان به شهری در بهبود عملکرد مدیریت بحران تأثیرگذار بوده است، که بیشترین نقش مؤثر در بهبود عملکرد مدیریت بحران مربوط به شاخص رضایت از عملکرد شهرداری و سازمان‌های محلی و مدیریت بحران (۱۷/۳۴) و بسترهای زیرساختی (۱۵/۸۸) است. جوان مجیدی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی به بررسی ارزیابی سطح پایداری اجتماعی در بافت‌های تاریخی شهری در شهر اردبیل پرداخته‌اند. نتایج پژوهش نشان داده است که پایداری اجتماعی در بافت تاریخی اردبیل در مجموع پایین است. با اینکه مؤلفه‌های امنیت اجتماعی، مشارکت اجتماعی، تعامل اجتماعی و حس تعلق وضعیت مطلوب‌تری نسبت به سایر مؤلفه‌ها داشتند، اما ناپایداری در وضعیت اقتصادی ساکنان، پایین بودن کیفیت کالبدی بافت و دسترسی نامناسب به خدمات عمومی، عامل مهمی در تشدید ناپایداری اجتماعی محدوده مورد مطالعه بود. در بین محله‌ها نیز، تفاوت‌های فضایی معنی‌داری از نظر میزان پایداری اجتماعی مشاهده شد. در واقع، موقعیت مکانی هر یک از محله‌ها و نحوه دسترسی به خدمات شهری، بر پایداری اجتماعی آن‌ها مؤثر بود. نتایج این مطالعه ضمن تأکید بر ضرورت ارزیابی پایداری اجتماعی در سطح محله‌های شهری، نقش ابعاد اجتماعی توسعه پایدار را در ارتقای کیفیت بافت‌های تاریخی برجسته می‌سازد. مهدیه (۱۳۹۹) در پژوهشی به بررسی تأثیر مشارکت مردمی بر عملکرد مدیریت بحران پرداخته است. و به این نتیجه رسیده است که همبستگی معنی‌داری بین مشارکت مردمی و عملکرد مدیریت بحران وجود دارد. همچنین مشارکت مردمی تأثیر مثبت و مستقیمی بر عملکرد مدیریت بحران دارد. به‌علاوه، تأثیر مشارکت نظری بر مشارکت عملی معنی‌دار بود. همچنین تأثیر عملکرد قبل از بحران بر عملکرد بعد از بحران نیز معنی‌دار بود. تأثیر مشارکت نظری بر هیچ‌یک از ابعاد عملکرد مدیریت بحران معنی‌دار نبود. به‌علاوه، مشارکت عملی تأثیر معنی‌داری بر عملکرد بعد از بحران داشت.

ضرورت توجه به بحث مشارکت اجتماعی در مدیریت بحران به‌ویژه در کشور ما که در پهنه خطرپذیری واقع شده است و از نظر بروز حوادث غیرمترقبه طبیعی جزء ده کشور اول جهان به‌شمار می‌رود، بر کسی پوشیده نیست. بنابراین توجه هرچه بیشتر به راهکارهای عملی برای انتظام بخشیدن به سامانه و نظام مدیریت بحران الزامی به نظر می‌رسد و در این راستا بایستی پژوهش‌ها و مطالعات بیشتری برای شهرهای که بیشتر در معرض مخاطرات قرار دارند صورت گیرد. در این راستا با توجه به بررسی سوابق پژوهشی مشخص گردید تاکنون مطالعه‌ای در زمینه نقش مشارکت اجتماعی در بهبود عملکرد مدیریت بحران شهر رباط‌کریم صورت نگرفته است.

مبانی نظری

مدیریت بحران از نیازهای مهم جوامع انسانی است و برای مواجهه صحیح با بلایا و پاسخگویی به آن، با توجه به استانداردهای جهانی، ناگزیر به آموختن دانش مدیریت بحران و نهادینه کردن آن در سیستم‌های علمی و اجرایی هستیم (احسان دوست و آریانپور، ۱۳۹۷: ۱۳۸). دانشی که امروزه در تمام کشورهای دنیا به‌عنوان یکی از شاخه‌های مهم مدیریت شناخته شده و تدریس می‌گردد (جهانگیر، ۱۳۸۶). مدیریت بحران نیازمند فعالیت سازمان‌ها و نیروهای متعدد و مختلفی است (عموزاده خلیلی و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۵۶) موفقیت این فعالیت مدیریتی در رویارویی مؤثر با بحران و دستیابی به اهداف آن متأثر از شرایط مکانی و زمانی محل وقوع بحران، سرعت عمل مدیریت در بسیج نیروها، آمادگی مناسب نیروهای عملیاتی و مدیریتی، توانایی‌های جامعه آسیب‌دیده و شدت حادثه است (کاردان پور و همکاران، ۱۳۹۰: ۹). مدیریت بحران به مجموعه اقداماتی اطلاق می‌کنند که قبل از وقوع، حین وقوع و بعد از وقوع سانحه، جهت کاهش هرچه بیشتر آثار و عوارض آن انجام می‌گیرد. به‌طوری‌که امروزه در سراسر جهان گرایش روزافزونی به دخالت مردم در برنامه‌ریزی و مدیریت بلایا وجود دارد (Coleman, 2016: 111). بنابراین مشارکت یکی از نمونه‌های اصلی مدیریت بحران خود را نشان می‌دهد. بر اساس یک اجماع قریب به‌اتفاق مشارکت اجتماعی یکی از گره‌گاه‌های نظری و تجربی در جامعه است و باوجود اختلاف در تعبیر یا تبیین مشارکت، غالب فعالان علم اجتماع در ضرورت آن هم داستان هستند (فرهادی، ۱۳۹۷: ۱۰۱). مشارکت در قالب یک فعالیت سازمان‌یافته عملاً از سال ۱۹۶۰ مطرح شد (برزگر و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۸). اندیشمندان متقدم جامعه‌شناسی مشارکت را گوهر جامعه می‌دانستند و جوامع را بر اساس گونه‌های مشارکت دسته‌بندی می‌کردند (فرهادی، ۱۳۹۷: ۱۰۱). مشارکت را می‌توان کوشش‌های سازمان‌یافته برای افزایش کنترل بر منابع و نهادهای نظم‌دهنده در شرایط اجتماعی معین از سوی مردم، گروه‌ها و جنبش‌هایی که تاکنون از حیثه اعمال چنین کنترلی محروم یا مستثنی بوده‌اند تعریف کرد (نرگسیان و محمدزاده، ۱۳۹۳: ۴۱). مشارکت مردمی یکی از مباحث مطرح در مدیریت بحران است (مهديه، ۱۳۹۹: ۱۴۳). در واقع، مشارکت جامعه سهیم شدن مردم در تمامی فرایندهای مربوط به چرخه مدیریت بحران است.

ادبیات اخیر مشارکت اجتماعی را به‌عنوان یکی از عناصر اصلی در کاهش خطر بلایای طبیعی معرفی کرده است (Nopphol et al, 2016: 2). اصطلاح مشارکت اجتماعی به‌عنوان یک سطح جامعه و همچنین یک ویژگی در سطح فردی تعریف می‌شود، سرمایه اجتماعی، وقتی به‌عنوان تعبیه در شبکه‌های اجتماعی یا ساختار اجتماعی متشکل از افراد و سازمان‌ها دیده می‌شود، می‌تواند از جهات مختلف در پیشگیری، آماده‌سازی و مقابله با بلایا مفید باشد (Lin, 2008: 55). شبکه‌های اجتماعی عملکردهای متنوعی دارند، از به اشتراک گذاشتن تخصص و منابع (Crabbe et al, 2006: 108) و انتقال اطلاعات گرفته تا سیاست‌ها و شیوه‌های پشتیبانی که به آمادگی بیشتر و پاسخ‌های مؤثر کمک می‌کنند (Ford et al, 2006: 151; Tompkins, 2005: 142). به این معنا، مشارکت اجتماعی را می‌توان به‌عنوان یک منبع عمومی تلقی کرد که باعث تقویت رفاه جامعه می‌شود. چرا که مشارکت اجتماعی به افراد امکان تعامل، ایجاد شبکه برای انتشار اطلاعات را فراهم می‌کند و مکانی برای ایجاد اعتماد در بین اعضای گروه فراهم می‌کند (Putnam, 1995: 664). مشارکت اجتماعی رفتارهای کاهش خطر بلایا را به همین شیوه ارتقا بخشد. صرف‌نظر از تعریف یا سطح مشارکت اجتماعی در نظر گرفته، واضح است که مشارکت اجتماعی بر آمادگی فاجعه تأثیر می‌گذارد (Chamlee, 2010; Yamamura, 2010: 1023). عوامل بسیاری می‌تواند بر مشارکت اجتماعی تأثیرگذار باشد، همچون رضایت از محله، اعتماد به ساکنین، حس تعلق به مکان، همگرایی و انسجام اجتماعی؛ از موارد دیگری که می‌تواند به، مقوله امنیت اجتماعی اشاره کرد (اسلامیه و محمدداودی، ۱۳۹۷: ۱۹۲). شبکه‌های اجتماعی کانال‌هایی را ارائه می‌دهند که از طریق آن‌ها می‌توان درک از خطر و انگیزه‌های انجام اقدامات پیشگیرانه را انتقال داد. جوامع منسجم معمولاً از آنجا که اعضا مایل به همکاری در حل مشکلات مشترک هستند، بیشتر برای حوادث خطرناک آماده هستند. در سطح فردی، افرادی که مرتباً در فعالیت‌های اجتماعی شرکت می‌کنند می‌توانند از تبادل اطلاعات مفید و هشدارها به‌ویژه در مواقع اضطراری بهره‌مند شوند. درعین‌حال، مشارکت جامعه در کاهش خطر همچنین شامل توانمندسازی جامعه در مذاکره با و درگیر

کردن بازیگران فوق محلی مانند آژانس‌های دولتی محلی و مرکزی برای حمایت از فرآیندهای محور جامعه است. این نشان می‌دهد که تاب‌آوری محلی در برابر خطرات طبیعی می‌تواند از طریق اقدام جمعی که از پاسخ‌های مؤثر پشتیبانی می‌کند، ارتقا یابد.

انواع مشارکت برحسب نوع شامل مشارکت در تصمیم‌گیری و مدیریت، مشارکت در تأمین مالی هزینه انجام طرح‌ها، مشارکت در تأمین نیروی انسانی می‌باشد (علوی تبار، ۱۳۸۲: ۲۶). به‌طور کلی متغیرهای زیادی بر مشارکت تأثیرگذارند، کلی و دنیس، از متغیرهایی چون نوع مالکیت، احساس قدرت یا بی‌قدرتی، رضایت از مدیریت شهری و پایگاه اجتماعی - اقتصادی نام‌برده‌اند (اسماعیل‌زاده و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۵۹). از دیگر عوامل مشارکت اعتمادسازی است که مقدمه واجب توسعه مشارکت است (آیینی، ۱۳۸۶: ۲۵). از دیگر متغیرهای اثرگذار بر مشارکت اجتماعی آگاهی و علاقه مردم و حاکمیت فرهنگ همیاری در جامعه است (حییبی و سعیدی رضوانی، ۱۳۸۴: ۱۱۵). می‌توان مشارکت اجتماعی را عضویت افراد در گروه‌های خارج از نهادهای طبیعی (مانند خانواده، نژاد، قومیت، دوستی، جنسیت، طبقه و شغل) (Helly, 1997). انجمن‌ها، اجتماعات، سازمان‌های داوطلبانه و غیردولتی (سعیدی، ۱۳۸۲) درگیری و فعالیت در گروهی خاص حتی گروه‌های قومی، جنسی، همسایگی و شغلی (Breton, 2003) و یا هر نوع فعالیت داوطلبانه، آگاهانه و ارادی در جامعه (محسنی تبریزی، ۱۳۷۵)، فعالیت در دوره‌ها و سود بردن از فعالیت‌های جمعی (بیرو، ۱۳۷۰) دانست. نظریات مختلفی در رابطه با مشارکت اجتماعی مطرح شده است از جمله: پارادایم واقع‌گرایی، پارادایم تعریف اجتماعی، پارادایم رفتار اجتماعی؛ در پارادایم واقع‌گرایی، مشارکت اجتماعی به‌عنوان واقعیتی عینی و تجربی در قالب شکل‌های گوناگون اجتماعی نمود می‌یابد. نظریات این پارادایم در دو رهیافت عمده توافقی (ساختارگرایانه) و تضادی شکل گرفته است. در پارادایم تعریف اجتماعی کنشگر اجتماعی به‌عنوان موجودی فعال و صاحب اراده در نظر گرفته می‌شود و جهان اجتماعی، به‌عنوان واقعیتی خارجی محصول ذهن و اراده و نظام معانی کنشگر اجتماعی پنداشته می‌شود. پارادایم رفتار اجتماعی که مفروضات آن برگرفته از روان‌شناسی رفتاری کلاسیک است، کل جامعه را چیزی جز رفتار اجتماعی نمی‌داند. در این پارادایم مشارکت اجتماعی به‌عنوان نوعی رفتار سودجویانه و حسابگرایانه مورد مطالعه قرار می‌گیرد (ادریسی و شجاعی، ۱۳۹۱: ۱۲۱). با توجه به مطالب فوق و هدف پژوهش، مدل مفهومی پژوهش به شرح شکل ۱ می‌باشد.

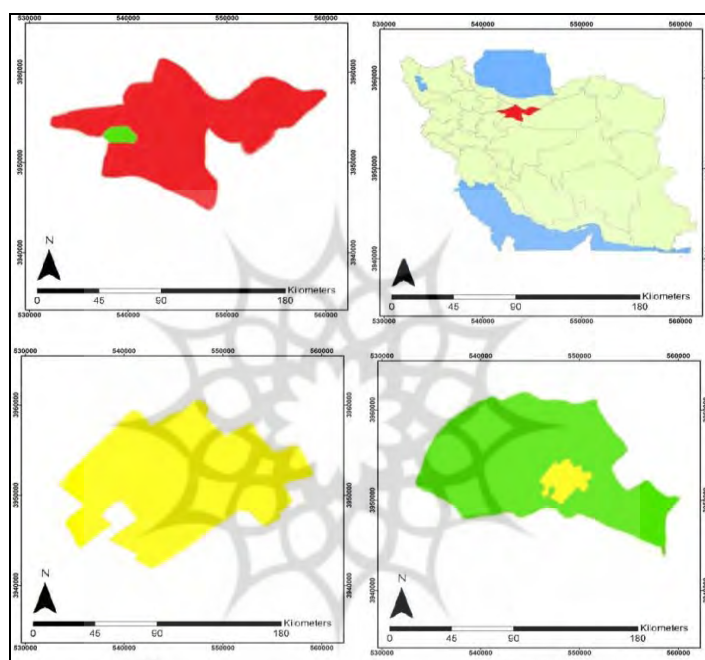


شکل شماره ۱. مدل مفهومی تحقیق

محدوده مورد مطالعه

شهر رباط‌کریم به‌عنوان مرکز شهرستان رباط‌کریم در استان تهران و در بخش مرکزی با ۱۰۵۳۹۳ نفر جمعیت که از این تعداد ۵۳۶۴۷ نفر مرد و ۵۱۷۴۶ نفر زن و ۳۱۸۰۳ خانوار در ۳۵ کیلومتری جنوب غربی استان تهران و در مسیر ارتباطی تهران - ساوه واقع شده و ارتفاع آن از سطح دریا برابر یا ۱۰۲۰ متر می‌باشد که در طول جغرافیایی ۵ و ۵۱ و عرض جغرافیایی ۲۸ و ۳۵ قرار گرفته است. از نظر منطقه‌ای منطقه رباط‌کریم سرزمینی است که از لحاظ جغرافیایی می‌توان آن را در مخروط افکنه یا جلگه آبرفتی پایکوهی دانست که روی مخروط افکنه قرار گرفته و با شیبی از شمال به جنوب به‌طرف شرق گسترش یافته است. این شهر بر روی گسل رباط‌کریم با روند عمومی شمال غرب - جنوب شرق واقع شده است. وضعیت فضایی - کالبدی شهر رباط‌کریم به‌گونه‌ای است که پهنه‌های کلان آن به چهار دسته سکونت، فعالیت مختلف و حفاظت می‌توان تقسیم کرد. بخشی از فعالیت‌های این شهر فعالیت‌های هستند که مخاطبان آن‌ها شهروندان

هستند و بخش اعظم فعالیت‌ها که در قسمت‌ها و عرصه‌های خاصی از شهر ارائه می‌شوند مخاطبان آن‌ها را خارج از محدوده شهری می‌باشند که تحت عنوان صنعت کارگاه‌های تولیدی و خدماتی و خدمات فنی و صنعتی طبقه‌بندی می‌شوند؛ به گونه‌ای که سرانه کاربری در این شهر بعد از کاربری مسکونی با ۴۳ مترمربع به ازای هر نفر به کاربری صنعتی با سطح سرانه ۵/۲۳ مترمربع اختصاص دارد. شهر رباط‌کریم مطابق با گزارش سرشماری‌ها ۵۳/۳ درصد از شاغلان در فعالیت‌های خدماتی و ۴۲/۵ درصد در بخش صنایع اشتغال دارند. بنابراین با توجه به گسترش این شهر در دهه‌های اخیر وضعیت مدیریت بحران آن در برابر حوادث و رخدادهای احتمالی بسیار ضعیف می‌باشد. وجود این کاربری‌ها و فعالیت‌ها در فضای شهری و توزیع آن‌ها در نقاط ثقل شهری و جود گسل رباط‌کریم و اقتصاد ضعیف مردم منطقه بر چرخه مدیریت بحران و آسیب‌پذیری شهر در برابر مخاطرات اثرگذار می‌باشند.



شکل شماره ۲. موقعیت جغرافیایی شهر رباط‌کریم در کشور، استان و شهرستان

روش پژوهش

این تحقیق از نظر هدف از نوع کاربردی محسوب می‌شود و به لحاظ روش پژوهش از نوع توصیفی - تحلیلی می‌باشد. جمع‌آوری و گردآوری داده‌ها از دو روش غالب اسنادی و میدانی صورت گرفته است. بدین صورت که در بخش مبانی نظری از مقالات و پایان‌نامه و اسناد کتابخانه‌ای و در بخش میدانی از ابزار پرسشنامه استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش ساکنین شهر رباط‌کریم در سال ۱۳۹۵ به تعداد ۱۰۵۳۹۳ نفر می‌باشند که با استفاده از فرمول کوکران ۳۸۳ نفر به شیوه تصادفی ساده به عنوان حجم نمونه آماری انتخاب شدند. شاخص‌های پژوهش از منابع و مطالعات صورت گرفته به عنوان پیشینه تحقیق مستخرج گردیدند. روایی پرسشنامه با استفاده از روش روایی محتوا انجام گرفته است. برای تأمین پایایی یا قابلیت اطمینان تحقیق از آزمون آلفای کرونباخ بهره گرفته‌ایم. پس از انجام آزمون مقدار آماره $0/۷۹۸$ بیش از $0/۷۵$ محاسبه شد که حاکی از پایایی قابل قبول پژوهش است. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها پرسشنامه‌ای به منظور دریافت نظرات ساکنین تدوین و تکمیل شد و سپس با استفاده از نرم‌افزار SPSS و شیوه‌های آماری چون ضریب همبستگی و آزمون رگرسیون خطی ساده به تجزیه و تحلیل داده‌ها پرداخته شد. در این پژوهش با توجه به مسائل مورد بررسی شاخص‌ها مدنظر قرار دارند که در جدول ۱ به آن‌ها اشاره شده است.

جدول شماره ۱. شاخص‌های پژوهش

ابعاد	شاخص‌ها	زیر شاخص‌ها
مشارکت در تأمین مالی	مشارکت در تصمیم‌گیری و مدیریت	عضویت در انجمن‌ها و فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی، آموزشی، مذهبی و... محله
		همکاری با مدیران و مسئولان محله در امر تصمیم‌گیری
		مشارکت در مورد چگونگی انجام کار
		مشارکت در تهیه راهکارهای اساسی جهت حل مشکلات محله
مشارکت اجتماعی	مشارکت در تأمین مالی	آگاهی از مشکلات و معضلات محله و در میان گذاشتن آن‌ها با مدیران شهری
		رضایت از عملکرد مدیران شهری و پرداخت به‌موقع عوارض‌ها و مالیات
		آگاهی از محدودیت‌ها و کمبودهای محله و مشارکت در رفع آن‌ها
		همکاری با همسایگان در جهت رفع موانع مالی محله
مشارکت در تأمین نیروی انسانی	مشارکت در تأمین مالی	تمایل به مشارکت‌های مالی - فرهنگی برای توسعه و پیشرفت محله
		مشارکت در کارگروهی مربوط به شهر
		رضایت از وضعیت زندگی در محله
		اعتماد به مدیران و مسئولان محله و همکاری با آن‌ها
اجتماعی	مشارکت در تأمین مالی	اعتماد به ساکنین و مشارکت با آن‌ها در یک تشکل محله‌ای
		مسئولیت‌پذیری و انجام وظایف محوله در امر توسعه محله
		شناخت شرایط و زمینه‌های وقوع ناآرامی
		شناخت کانون‌های ناآرام در زمان وقوع بحران
مدیریت بحران	کالبدی	بسیج مردمی برای کمک به نهادهای امداد رسانی
		علاقه‌مند شدن به شرکت در دوره‌های آموزشی در زمینه دوره‌های مدیریت بحران
		ارتقای آگاهی و دانش ساکنین در زمینه بحران‌های طبیعی و انسانی واکنش مثبت در مقابل آن‌ها
		تهیه تجهیزات امداد اضطراری (آتش‌نشانی، امداد پزشکی، آمبولانس و ...)
مدیریت بحران	کالبدی	فراهم کردن زیرساخت‌های شهری
		ایجاد فضای مناسب برای استقرار آسیب دیدگان در زمان پس از بحران
		رعایت قوانین و آیین‌نامه‌های شهرسازی در ساخت و سازی شهری از جمله آیین‌نامه ۲۸۰۰
		به‌هنگام کردن و اجرای ضوابط و مقررات شهرسازی
مدیریت امداد و نجات	مدیریت امداد و نجات	ایجاد فضاهای بهداشتی - درمانی در سطح شهر
		توجه به حرایم کاربری‌های با احتمال وقوع بحران
		آمادگی نهادهای و سازمان‌های مسئول در سطح شهر در زمان وقوع بحران
		وجود نیروهای خبره و آموزش‌دیده در زمینه آموزش و کمک‌رسانی
		ارائه برنامه‌های مدیریتی در خصوص بحران‌های طبیعی و انسانی
		توجه به دانش مدیریت بحران در فرایند مدیریتی

منبع: (Maslina et al, 2018)، مشکینی و تردست (۱۳۹۸)؛ سلیمی (۱۳۹۳)؛ عموزاده خلیلی و همکاران (۱۳۹۷)

بحث و یافته‌ها

از نمونه ۳۸۳ نفری پژوهش ۶۱ درصد مرد و ۳۹ درصد زن و از این تعداد ۵۶/۷ درصد متأهل و ۴۴/۳ درصد مجرد و ۵ درصد مقطع دکتری، ۲۴ درصد ارشد، ۵۶ درصد کارشناسی، ۱۵ درصد کمتر از کارشناسی هستند. بر اساس یافته‌های پژوهش ۱۹ درصد پاسخگویان بی‌کار، ۱۸ درصد شغل آزاد، ۷ درصد بازنشسته، ۲۰/۳ درصد خانه‌دار ۳۶/۷ درصد کارمند دولتی می‌باشد. در این پژوهش با توجه به اینکه سابقه سکونت در شکل‌گیری بحث مشارکت و حس تعلق به مکان نقش اساسی دارد و میزان اقامت بلندمدت در روحیه مشارکت اجتماعی تأثیر مستقیم دارد از این‌رو این سؤال نیز در بخش اماره‌های توصیفی و بخش اول پرسشنامه مطرح شده است. از اماره به‌دست‌آمده بیانگر این است که ۳۱ درصد از پرسش‌شوندگان کمتر از ۵ سال در شهر رباط‌کریم سکونت داشته‌اند. ۳۵/۵ درصد بین ۱۰-۵ سال، ۴۵/۲ درصد بین ۲۰-

۱۰ سال و ۱۴/۳ درصد بیش از ۳۰ سال را انتخاب کرده‌اند.

در پژوهش حاضر مشارکت اجتماعی با سه شاخص (مشارکت در تصمیم‌گیری و مدیریت، مشارکت در تأمین مالی، مشارکت در تأمین منابع انسانی) و ۱۴ زیر شاخص به‌عنوان متغیر مستقل و مدیریت بحران با سه شاخص (اجتماعی، کالبدی، مدیریت و نجات) و ۱۴ زیر شاخص به‌عنوان متغیر وابسته موردسنجش قرار گرفته‌اند.

جدول شماره ۲. میانگین وضعیت متغیر مستقل وابسته پژوهش از نظر ساکنین

شاخص‌ها	زیر شاخص‌ها	میانگین
	عضویت در انجمن‌ها و فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی، آموزشی، مذهبی و... محله	۱۱/۴
مشارکت در	همکاری با مدیران و مسئولان محله در امر تصمیم‌گیری	۱۹/۳
تصمیم‌گیری و	مشارکت در مورد چگونگی انجام کار	۱۳/۴
مدیریت	مشارکت در تهیه راهکارهای اساسی جهت حل مشکلات محله	۱۸/۷
	آگاهی از مشکلات و معضلات محله و در میان گذاشتن آن‌ها با مدیران شهری	۱۷/۹
	رضایت از عملکرد مدیران شهری و پرداخت به‌موقع عوارض‌ها و مالیات	۲۰/۴
مشارکت در	آگاهی از محدودیت‌ها و کمبودهای محله و مشارکت در رفع آن‌ها	۱۴/۶
تأمین مالی	همکاری با همسایگان در جهت رفع موانع مالی محله	۲۱
	تمایل به مشارکت‌های مالی فرهنگی برای توسعه و پیشرفت محله	۱۵/۳
	مشارکت در کارگروهی مربوط به شهر	۲۲
مشارکت در	رضایت از وضعیت زندگی در محله	۱۹/۲
تأمین نیروی	اعتماد به مدیران و مسئولان محله و همکاری با آن‌ها	۱۷/۴
انسانی	اعتماد به ساکنین و مشارکت با آن‌ها در یک تشکل محله‌ای	۱۸/۶
	مسئولیت‌پذیری و انجام وظایف محوله در امر توسعه محله	۱۸/۳
	شناخت شرایط و زمینه‌های وقوع ناآرامی	۱۹/۱۰
	شناخت کانون‌های ناآرام در زمان وقوع بحران	۱۶/۵
اجتماعی	بسیج مردمی برای کمک به نهادهای امداد رسانی	۲۰
	علاقه‌مند شدن به شرکت در دوره‌های آموزشی در زمینه دوره‌های مدیریت بحران	۱۶/۸
	ارتقای آگاهی و دانش ساکنین در زمینه بحران‌های طبیعی و انسانی واکنش مثبت در مقابل آن‌ها	۹/۱۷
	تهیه تجهیزات امداد اضطراری (آتش‌نشانی، امداد پزشکی، آمبولانس و ...)	۲۱
	فراهم کردن زیرساخت‌های شهری	۲۰/۲
	ایجاد فضای مناسب برای استقرار آسیب دیدگان در زمان پس از بحران	۱۶/۹
کالبدی	رعایت قوانین و آیین‌نامه‌های شهرسازی در ساخت و سازی شهری از جمله آیین‌نامه ۲۸۰۰	۱۲/۴
	به‌هنگام کردن و اجرای ضوابط و مقررات شهرسازی	۱۸
	ایجاد فضاهای بهداشتی - درمانی در سطح شهر	۱۷/۸
	توجه به حرایم کاربری‌های با احتمال وقوع بحران	۱۹/۹۱
	آمادگی نهادهای و سازمان‌های مسئول در سطح شهر در زمان وقوع بحران	۱۶/۶
مدیریت امداد و	وجود نیروهای خبره و آموزش‌دیده در زمینه آموزش و کمک‌رسانی	۱۹۲۰/۹
نجات	ارائه برنامه‌های مدیریتی در خصوص بحران‌های طبیعی و انسانی	۱۸/۹
	توجه به دانش مدیریت بحران در فرایند مدیریتی	۲۰/۲

در ابتدا میزان ضریب همبستگی دو متغیر با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون سنجیده شد. در مرحله بعدی به‌منظور بررسی نقش مشارکت اجتماعی بر مدیریت بحران شهر رباط‌کریم با توجه به مقیاس فاصله‌ای دو متغیر از رگرسیون خطی ساده استفاده شد. همان‌طور که از عنوان پژوهش مشخص است متغیر مستقل مشارکت اجتماعی و متغیر وابسته مدیریت بحران می‌باشد که حاصل از کمپیوت کردن مجموع زیر شاخص‌های هر دو متغیر می‌باشد. در جدول زیر میزان اثرگذاری ابعاد متغیر وابسته بر متغیر مستقل با مقدار ضریب همبستگی، ضریب تعدیل‌شده و دوربین واتسون به تفکیک نشان داده شده است.

جدول شماره ۳. مقدار ضریب تعدیل شده، و دوربین واتسون

ضریب همبستگی پیرسون	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	خطای استاندارد برآورد	دوربین واتسون	میزان اثرگذاری متغیر وابسته
۰/۲۱۰	۰/۲۰۸	۳/۷۹	-	مشارکت در تصمیم گیری	
۰/۵۰۱	۰/۴۹۱	۲/۳۱	-	مشارکت در تأمین مالی	
۰/۳۳۶	۰/۳۳۵	۲/۴۸	-	مشارکت در تأمین نیروی انسانی	
۰/۷۸۳	۰/۵۶۹	۷/۵۶۱	۱/۲۳۱	مجموع	

همان گونه که در جدول ۳ مشخص است مقدار ضریب تعیین تعدیل شده برابر با ۰/۵۷۹ است که حاکی از توانایی متغیر مستقل در تبیین واریانس متغیر وابسته می باشد. یعنی متغیر مستقل ۵۷ درصد از تغییرات وابسته را تبیین می کند و مابقی این تغییرات که به مجذور کمیت خطا معروف است، تحت تأثیر متغیرهای خارج از مدل می باشند. همچنین مقدار دوربین واتسون برابر ۱/۲۳ است که حاکی از مستقل بودن باقی مانده ها از هم است.

در جدول ۴ نیز مقدار رگرسیون و مقدار F و سطح معناداری و مدل رگرسیون آورده شده است. همان گونه از جدول مشخص است مقدار رگرسیون برای این مدل برابر است با ۲۸/۲۷ و مقدار باقی مانده برابر است با ۲۱/۸۰ و چون مقدار مجذورات باقی مانده کوچک تر از مجموع مجذورات رگرسیون است، نشان دهنده، قدرت تبیین بالای مدل در توضیح تغییرات متغیر وابسته است. در این مدل مقدار F برابر است با ۴۹/۵۵ و میزان معناداری آن هم برابر با ۰/۰۰۰ است که کوچک تر از ۰/۰۵ و معنادار است و متغیر مستقل قادر است به خوبی تغییرات متغیر وابسته را توضیح دهد، بنابراین مدل رگرسیون از لحاظ آماری معنی دار است و سؤال تحقیق که تأثیر مشارکت اجتماعی بر مدیریت بحران می باشد مثبت ارزیابی می شود.

جدول شماره ۴. مجموع مربعات، درجه آزادی، میانگین مربعات و سطح معناداری رگرسیون

مدل	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	F	سطح معناداری
رگرسیون	۲۸/۲۷	۱	۲۸/۲۷		
باقی مانده	۲۱/۸۰	۳۷۹	۰/۵۹	۴۹۱/۵۵۰	۰/۰۰۰
مجموع	۴۹/۰۸	۳۷۸	-		

در مرحله بعدی نتایج مربوط به ضرایب تأثیر رگرسیونی متغیر مستقل (به تفکیک) بر متغیر وابسته را نشان می دهد. با توجه به اطلاعات این جدول مقدار بتا در این مدل در مجموع متغیرهای مستقل ۰/۷۶۵ است. بزرگ بودن مقدار بتا نشان دهنده اهمیت نسبی و نقش آن در پیشگویی متغیر وابسته می باشد. همچنین معادله رگرسیون با ضریب بتای استاندارد به شکل زیر می باشد:

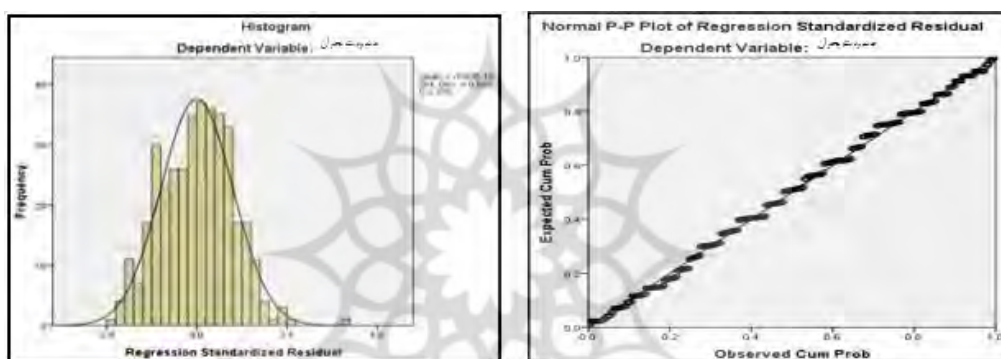
$$(مشارکت اجتماعی) (۰/۷۶۵) + (۱/۹۳۱) (مدیریت بحران)$$

می توان گفت با ارتقاء یک واحد از هر متغیر مستقل به میزان ضریب نوشته شده متغیر وابسته ارتقاء پیدا خواهد کرد. یا به عبارتی با ارتقای یک واحد مشارکت (۰/۷۶۵)، واحد انحراف معیار عملکرد مدیریت بحران بهبود پیدا خواهد کرد، در نتیجه ارتباط مثبت دارند.

جدول شماره ۵. ضریب رگرسیون استاندارد شده و نشده، آماره تی و سطح رگرسیون

سطح معناداری	T	ضریب استاندارد شده	ضریب غیراستاندارد		مدل	میزان اثرگذاری متغیر مستقل
			Beta	Std. Error		
۰/۰۰۰	۲۱/۵۶۴	۰/۴۴۵	۱/۳۶۴	۲۹/۳۳۲	مقدار ثابت	اجتماعی
۰/۰۰۰	۹/۵۰۵		۰/۱۱۲	۱/۰۳۹	مشارکت اجتماعی	
۰/۰۰۰	۱۴/۹۹۰	۰/۵۸۳	۱/۴۷۸	۲۲/۴۶۰	مقدار ثابت	کالبدی
۰/۰۰۰	۱۳/۷۲۲		۰/۱۰۹	۱/۴۶۰	مشارکت اجتماعی	
۰/۰۰۰	۲۶/۵۴۰	۰/۸۱۴	۰/۰۷۸	۱۴/۱۵۸	مقدار ثابت	مدیریت و نجات
۰/۰۰۰	۱۱/۴۳۴		۱/۲۱۴	۱/۹۰۹	مشارکت اجتماعی	
۰/۰۰۰	۹/۵۷۰	۰/۷۷۰	۱/۳۳۰	۱۲/۷۹۰	مقدار ثابت	مجموع
۰/۰۰۰	۲۲/۱۴۴		۰/۰۲۹	۰/۵۶۴	مشارکت اجتماعی	

شکل ۳ نمودار هیستوگرام رسم شده در مورد مدل رگرسیون فرض نرمال بودن داده‌ها را تأیید کرده بنابراین مدل رگرسیون خطی برآورد شده مورد تأیید می‌باشد.



شکل شماره ۳. نرمال بودن باقیمانده‌ها و معادله رگرسیون جهت بیان اثر مشارکت بر مدیریت بحران

نتیجه‌گیری

با افزایش بلایای طبیعی جوامع مختلف، پیوسته به دنبال کشف و ابداع راه‌حل‌هایی بوده و هستند تا بتوانند آسیب‌های ناشی از حوادث غیرمترقبه را به‌گونه‌ای کنترل کرده و یا به حداقل رسانند و در واقع بحران‌ها را مدیریت کنند. در چند دهه گذشته ضرورت مشارکت اجتماعی برای کاهش بحران‌ها در قالب مدیریت اجتماع‌محور در برابر بلایا، در حال رشد است. مدیریت اجتماع‌محور رویکردی است که افراد در سطح محلی را در مدیریت احتمال خطرپذیری درگیر می‌سازد. وقتی ابعاد حادثه یا بلای طبیعی گسترده شود، دولت‌ها امکان و ظرفیت مدیریت کارآمد را ندارند، بنابراین سرمایه‌گذاری بر توانمندسازی مردم، محلات و جامعه مناسب‌ترین اقدام است تا در مدت‌زمان کمتر و با هزینه‌های مادی و معنوی پایین‌تر امکان بازگشت به شرایط عادی فراهم شود. بنابراین اساس مدیریت بحران، «مردم محوری، جامعه‌محوری یا محله محوری» است. مردم محوری به معنای این است که مردم را مبنای مدیریت ریسک و بحران قرار دهیم. در این رویکرد به ابعاد اجتماعی مشارکت مردم در تصمیم‌سازی و پیاده‌سازی آن‌ها از مهم‌ترین مراحل فرآیند مدیریت بحران است. بهره‌گیری از سرمایه‌های اجتماعی، ظرفیت‌سازی محلی و توانمندسازی اجتماع در چگونگی رویارویی با بلایای مختلف مؤلفه‌های اساسی این رویکرد است. بهره‌گیری از مشارکت عمومی، آموزش اجتماعی و هوش جمعی در سطح گروه دوام / فعالیت واکنش سریع بحران، شاخص‌های مسئولیت‌پذیری و نحوه مدیریت و سازمان‌دهی گروه دوام با مؤلفه‌های آموزشی و رفتاری مدیریت ریسک بحران ارتباط دارد. مدیریت بحران مبتنی بر چرخه چهار مرحله‌ای

(پیشگیری، آمادگی، مقابله و بازسازی بازتوانی) یکی از وظایف جدایی‌ناپذیر حکومت‌ها هم در بعد ملی و هم در بعد محلی است. هر چه که میزان خطرپذیری، ریسک، شدت و سوابق رخداد حوادث در یک منطقه جغرافیایی بالاتر باشد، به همان نسبت شکل‌گیری نظام مدیریت بحران و توسعه فعالیت‌های مربوطه به آن اهمیت و ضرورت می‌یابد.

بر این اساس پژوهش حاضر نقش مشارکت اجتماعی در بهبود وضعیت و عملکرد مدیریت بحران در شهر رباط‌کریم به‌عنوان یکی از شهرهای آسیب‌پذیر در ایران و استان تهران را مورد بررسی قرار داد. در این پژوهش مشارکت، به معنای شرکت داوطلبانه ارادی و آگاهانه افراد، گروه‌ها و سازمان‌های تشکیل‌دهنده یک جامعه در فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی آن برای رسیدن به توسعه پایدار و متوازن و همه‌جانبه زندگی است. که سه گونه مهم مشارکت در نظر گرفته شده است و مورد بررسی قرار گرفت؛ مشارکت در تصمیم‌گیری در زمان برنامه‌ریزی و طرح‌ریزی، مشارکت در تأمین مالی، مشارکت در تأمین منابع انسانی. یافته‌های پژوهش نشان داد که ساکنین این شهر بیشترین مشارکت را در تأمین منابع انسانی در زمان وقوع بحران دارند همچنین در بین ساکنین شهر رباط‌کریم مشارکت اجتماعی نقش مهمی در مدیریت بحران دارد. به‌گونه‌ای که این دو متغیر ارتباط و همبستگی با ضریب $0/783$ که نشان ضریب بالا و معناداری می‌باشد با همدیگر دارند. این بدین معنی است که ساکنین این شهر در زمان وقوع بحران در کنار مدیریت و سازمان‌های مسئول و در جهت بهبود اوضاع کمک خواهند کرد. و میزان اثرگذاری مشارکت در بهبود عملکرد مدیریت بحران برابر با $0/765$ برآورد گردید. در واقع می‌توان گفت با ارتقاء یک واحد از هر متغیر مستقل به میزان ضریب نوشته شده متغیر وابسته ارتقاء پیدا خواهد کرد. یا به عبارتی با ارتقای یک واحد مشارکت ($0/765$)، واحد انحراف معیار عملکرد مدیریت بحران ارتقاء پیدا خواهد کرد، در نتیجه ارتباط مثبت دارند. با گسترش میزان مشارکت شهروندان توانمندی و عملکرد مدیریت بحران این شهر بهبود خواهد یافت این نشان از حضور پررنگ و میزان علاقه و تمایل ساکنین در کمک‌رسانی در بخش مدیریت بحران در زمان وقوع بحران دارد. نتایج به‌دست‌آمده از پژوهش حاضر با نتایج پژوهش ساعی و همکاران (1393)، حیدری و ابراهیم نژاد (1393)، عموزاده خلیلی و همکاران (1397) و مهدیه (1399) که مشارکت مردمی را عامل مهمی در بهبود عملکرد مدیریت بحران دانسته‌اند همسو می‌باشد. می‌توان این‌گونه جمع‌بندی کرد که در نظام مدیریت بحران شهر رباط‌کریم، اساسی‌ترین مؤلفه، افزایش مشارکت اجتماعی است و این افزایش مشارکتی با راهبرد اجتماع‌محور و مردم‌محور ممکن می‌شود. بنابراین در گام اول باید ظرفیت‌های جامعه را شناسایی و ضمن پوشش خلأهای موجود و نیازمندی‌های مردمی و منطقه‌ای / محله‌ای از آن‌ها استفاده کرد. بنابراین توسعه این ظرفیت و استفاده از سایر ظرفیت‌های اجتماعی و شهروندی با تحرکات اجتماعی بالا و بهره‌گیری از این پتانسیل‌ها باید در دستور کار قرار داده شود. در ادامه با توجه به اینکه شرایط ساختاری اجتماعی این شهر امکان استفاده از مشارکت اجتماعی در بحث مدیریت بحران را فراهم کرده است به ارائه راهکارهای جهت تقویت و بهبود بیشتر ساختار مدیریت بحران آن راهکارهای ارائه و پیشنهاد داده می‌شود.

❖ توسعه تیم‌های داوطلب واکنش اضطراری، آتش‌نشان... با اهداف گوناگون

❖ بازنگری در روش‌ها و اقدامات انجام‌شده تاکنون

❖ تأمین اعتبارات و کمک‌های فنی و حرفه‌ای همراه با پدید آوردن زمینه گسترش آگاهی‌های عمومی

❖ عمده‌ترین عامل تأمین مشارکت، آگاهی مردم به موضوع مشارکت است بنابراین نیاز است تا در این زمینه آموزش‌های لازم داده شود.

❖ با توجه به اینکه بسیاری از مخاطرات این شهرستان ناشی از عدم رعایت اصول و ضوابط شهرسازی است، نیاز است تا در این زمینه اقداماتی از جمله الزام کردن رعایت اصول فنی و مهندسی مانند اجرای آیین‌نامه ۲۸۰۰ از سوی شهرداری صورت گیرد.

تقدیر و تشکر

بنا به اظهار نویسنده مسئول، این مقاله حامی مالی نداشته است.

منابع

- ۱) احسان دوست، محمدرضا و آریان پور، یاسر (۱۳۹۷) مطالعه بر اثرات زلزله و مدیریت بحران شهری (مطالعه موردی: شهرستان کازرون)، فصلنامه دانش پیشگیری و مدیریت بحران، دوره ۸، شماره ۲، صص. ۱۴۸-۱۳۷.
- ۲) ادریسی، افسانه و شجاعی، مرجان (۱۳۹۱) بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت اجتماعی ساکنین در تحقق طرح‌های توسعه شهری؛ نمونه موردی: پیاده‌راه‌سازی حوزه تاریخی شهر تهران منطقه ۱۲، برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، دوره ۴، شماره ۱۳، صص. ۱۱۵-۱۵۸.
- ۳) اسلامی، فاطمه و محمد داودی، امیرحسین (۱۳۹۷) نقش مشارکت اجتماعی شهروندان بر رویکرد جامعه‌محوری پلیس و تعدیل‌گری امنیت اجتماعی، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، دوره ۹، شماره ۵۳، صص. ۲۱۶-۱۸۹.
- ۴) اسماعیل‌زاده، حسن؛ صالح پور، شمسی؛ اسماعیل‌زاده، یعقوب (۱۳۹۳) عوامل مؤثر بر مشارکت در ساماندهی بافت‌های فرسوده شهری (مطالعه موردی: محدوده دولتخواه جنوبی)، مجله جغرافیا، دوره ۱۲، شماره ۴۳، صص. ۱۲۷-۱۴۱.
- ۵) اکبرپور، سراسکانرود و محمدپور، صابر (۱۳۹۰) ارزیابی نقش حقوقی شوراهای اسلامی و شهرداری‌ها در توسعه مدیریت شهری، دومین کنفرانس برنامه‌ریزی و مدیریت شهری، دانشگاه فردوسی مشهد.
- ۶) آئینی، محمد (۱۳۸۶) موضوعات اقتصادی، مالی و مدیریتی در بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده شهری، چاپ اول، تهران: مرکز مطالعات مسکن و شهرسازی.
- ۷) برزگر، صادق؛ قربانی، علیرضا؛ رضایی نوری، طیبه (۱۳۹۷) تحلیل پایداری محله‌های شهری با تأکید بر شورای اجتماعی محلات مطالعه موردی: ناحیه دو منطقه یازده شهر مشهد، فصلنامه شهر پایدار، دوره ۱، شماره ۱، صص. ۲۶-۱۵.
- ۸) باباخانی، فرهاد؛ یزدانی نسب، محمد؛ نوری، مهدی (۱۳۹۲) بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت نیروهای داوطلب مردمی در زمان بحران، مجله مدیریت بحران، دوره ۲، شماره ۲، صص. ۱۳-۵.
- ۹) بیرو، آلن (۱۳۷۰) فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، چاپ دوم، تهران: کیهان.
- ۱۰) جهانگیر، ابراهیم (۱۳۸۶) کاربری اراضی شهری در مقابل زلزله، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده جغرافیا.
- ۱۱) حبیبی، سیدمحسن و سعیدی رضوانی، هادی (۱۳۸۴) شهرسازی مشارکتی؛ کاوشی نظری در شرایط ایران، فصلنامه هنرهای زیبا، زمستان ۱۳۸۴، شماره ۲۴، صص. ۲۴-۱۵.
- ۱۲) حیدری، کبری و ابراهیمی‌نژاد (۱۳۹۳) بررسی عامل هماهنگی برای جذب مشارکت مردمی در سازمان‌های مدیریت بحران، دومین همایش ملی پژوهش‌های کاربردی در عمران، معماری و مدیریت شهری.
- ۱۳) دربان آستانه، علیرضا؛ بازگیر، سعید؛ شیخ‌زاده، محسن (۱۳۹۶) تحلیل فضایی آسیب‌پذیری اجتماعی خانوارها در برابر زلزله (مطالعه موردی: منطقه ۶ شهر تهران)، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره ۴۹، شماره ۲، صص. ۴۶۵-۴۸۴.
- ۱۴) رشادت جو، حمیده؛ علی‌اکبر، رضایی؛ میرنوید، میرحقوق جو (۱۳۹۰) نقش سرمایه اجتماعی در مدیریت بحران‌های اجتماعی کلان‌شهرهای ایران مطالعه موردی شهر رشت، مطالعات مدیریت شهری، دوره ۳، شماره ۲، صص. ۲۳-۱.
- ۱۵) ساعی، علی؛ بدری، سیدعلی؛ کاظمی، نسرن؛ تاجیک، فائزه (۱۳۹۳) تحلیل مؤلفه‌های مؤثر بر مشارکت زنان در چرخه مدیریت بحران شهر تهران، نشریه تحلیل فضایی مخاطرات محیطی، سال ۱، شماره پیاپی ۳، صص. ۲۸-۱۳.
- ۱۶) سلیمی، اکبر (۱۳۹۳) شناسایی مؤلفه‌ها و شاخص‌های مدیریت بحران‌های اجتماعی و ارائه الگوی کاربردی انتظامی، فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی، دوره ۹، شماره ۳، صص. ۴۱۳-۳۹۴.
- ۱۷) علوی تبار، علیرضا (۱۳۸۲) مشارکت در اداره امور شهرها: بررسی الگوی مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها (تجارب جهانی و ایران)، جلد اول، چاپ دوم، تهران، وزارت کشور، مرکز مطالعات برنامه‌ریزی شهری
- ۱۸) عموزاده خلیلی، سجاد؛ رشیدی، احمد؛ پیردشتی، حسین (۱۳۹۷) بررسی نقش مشارکت مردمی در بهبود عملکرد مدیریت

- بحران فضای شهری و عوامل مؤثر بر آن از منظر نظریه مشارکت اجتماعی راجرز در شهر بهشهر، فصلنامه دانش پیشگیری و مدیریت بحران، دوره ۸، شماره ۳، صص. ۲۶۸-۲۵۵.
- ۱۹) فتاحی، رستمی مهربان؛ طالبیان، بحرودی؛ هالینگورث، والکر؛ مرتضی، سمیه؛ مرتضی، عباس؛ جیمز و ریچارد (۱۳۸۸) بررسی فعالیت گسل نیشابور در استان خراسان، علوم و زمین، دوره ۲۰، شماره ۷۹، صص. ۶۰-۵۵.
- ۲۰) فرهادی، محمد (۱۳۹۷) سرمایه‌ها و مشارکت اجتماعی در فضای دانشجویی، جامعه پژوهی فرهنگی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ۹، شماره ۱، صص. ۱۳۲-۱۰۱.
- ۲۱) کاردان پور، علیرضا؛ علی‌گو، محمود؛ طاهرخانی، امین؛ باقری، سمیه؛ تهرانی، امیر (۱۳۹۰) مشارکت آموزشی و ترویجی، ماهنامه دهیاری‌ها، شماره ۳۶، صص. ۱۳-۳.
- ۲۲) مرادی، علی (۱۳۹۴) مطالعه بررسی نقش مشارکت شهروندان در تأمین احساس امنیت اجتماعی، فصلنامه پژوهش‌های انتظام اجتماعی، دوره ۹، شماره ۴، صص. ۱۶۶-۱۴۰.
- ۲۳) مشکینی، ابوالفضل و تردست، زهرا (۱۳۹۸) اثرگذاری مشارکت در توانمندسازی سکونتگاه‌های مسئله‌دار شهری (مطالعه موردی: محله نابزر ایلام) مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی، دوره ۱۴، شماره ۱، صص. ۱۶۱-۱۴۷.
- ۲۴) مطیعی لنگرودی، سیدحسین؛ قدیری معصوم، مجتبی؛ اسکندری چوبقلو، حافظ؛ طورانی، علی؛ خسروی مهر، حمیده (۱۳۹۴) بررسی نقش مدیریت مشارکتی در کاهش آثار سیل (مطالعه موردی: روستاهای حوضه رودخانه زنگمار ماکو)، جغرافیا و برنامه‌ریزی، سال ۱۹، شماره ۵۱، صص. ۳۳۹-۳۱۱.
- ۲۵) مظلوم، منصوره سادات؛ رجبی، آرزیتا؛ اقبالی، ناصر (۱۳۹۸) مشارکت در تاب‌آوری اجتماعی محلات شهری (مطالعه موردی: محله اوین شهر تهران)، فصلنامه جغرافیا (برنامه‌ریزی منطقه‌ای)، دوره ۱۰، شماره ۱، صص. ۷۴۰-۷۲۹.
- ۲۶) مهدیه، امیر (۱۳۹۹) بررسی تأثیر مشارکت مردمی بر عملکرد مدیریت بحران، فصلنامه دانش پیشگیری و مدیریت بحران، سال ۱۰، شماره ۲، صص. ۱۴۱-۱۲۶.
- ۲۷) جوان مجیدی، جواد؛ مسعود، محمد؛ مطلبی، قاسم، (۱۳۹۷) ارزیابی سطح پایداری اجتماعی در بافت‌های تاریخی مطالعه موردی: شهر اردبیل، فصلنامه شهر پایدار، دوره ۱، شماره ۴، صص. ۳۶-۱۹.
- ۲۸) نرگسیان، عباس و محمدزاده، رقیه (۱۳۹۳) بررسی تأثیر نقش عدالت زبانی در ارتقای اعتماد و مشارکت عمومی شهروندان، مورد مطالعه: منطقه ۶ شهر تهران، مدیریت سازمان‌های دولتی، دوره ۲، شماره ۸، صص. ۵۲-۳۷.
- ۲۹) یاراحمدی خراسانی، مهدی (۱۳۸۴) بحران، واقعیتی جدایی‌ناپذیر از سازمان‌ها، ماهنامه مدیریت شماره ۱۰۱ و ۱۰۲، صص. ۴۳-۴۷.
- 30) Breton, Raymond and Jeffrey G. Reitz, editors, *Globalization and Society: Processes of Differentiation Examined*. Westport, CN: Praeger.
- 31) Chamlee, Wright, E. (2010) *The Cultural and Political Economy of Recovery: Social Learning in a Post-disaster Environment*, New York, Routledge.
- 32) Coleman, James S. (2016) *Social Capital in the Creation of Human Capital*, American journal of sociology, Vol.94, pp.95-120.
- 33) Crabbé, P. & Robin M. (2006) *Institutional Adaptation of Water Resource Infrastructures to Climate Change in Eastern Ontario*, Clim Change, No.78, pp.133-103.
- 34) Ford, James, D. & Smit, Barry. & Wandel, Johanna. (2006) *Vulnerability to climate change in the Arctic: A case study from Arctic Bay, Canada*, Glob Environ Change, PLEASE DO NOT CITE WITHOUT AUTHORS PERMISSION.
- 35) Helly, Denise. (2001) *Voluntary and Social Participation by People of Immigrant Origin: Overview of Canadian Research*, Second National Metropolis Conference, Montreal, November 1997.
- 36) Huppert, Huppert, E. & Sparks R Stephen J. (2006) *Extreme natural hazards: population growth, globalization and environmental change*. Philos Trans A Math Phys Eng Sci, Vol.15, pp.1845-1875.
- 37) Nordeman, P. & Humanson, R. (2017) *Proactive Crisis Management (PCM): Perceptions*

- of crisis-awareness and crisis readiness in organizations in relation with their actual strategic initiatives against industrial crises caused by human errors, Master Thesis, The Department of Industrial Economics and Management, The Blekinge Institute of Technology, Sweden Retrieved from.
- 38) Lin, Nan. (2008) I NSNA Building a Network Theory of Social Capital. In: Castiglione dario, van Deth JW, Wolleb G, editors. The Handbook of Social Capital. London: Oxford University Press, pp.50-69
- 39) Mousavi, S, R. & Rashedi, H. & Bidhendi, GH, N. (2018) Role of Crisis Management in Reducing Socio – Psychological Vulnerabilities after Natural Disasters (Case Study: Citizens of Bam City), Environmental Energy and Economic Research, Vol.2, No.3, pp. 187-196.
- 40) Maslina, M,S,H.& Hajizainol,B,N.& Masarah, B.& Bahrin, F,K. (2018) Types of employeeparticipation in decision making amongst the middle management in the malaysan public sector, International Journal of Asian Social Science, Vol.8, No.8, pp.603-613
- 41) Nopphol, Witvorapong. & Mutarak, Raya.& Pothisiri, Wiraporn. (2015) Social Participation and Disaster Risk Reduction Behaviors in Tsunami Prone Areas, journal pone, Vol.10, No.7, pp.1-20.
- 42) Putnam, D, Rutnam. (1995) Tuning in, Tuning out: The Strange Disappearance of Social Capital in America, PS: Politica Science & Politics, Vol.28, No.4, pp.664-683.
- 43) Shaw Rajib. (2012) Overview of Community - Based Disaster Risk Reduction, Community Environment and Disaster Risk Management, Vol.10, pp.3-17.
- 44) Stark, Alastai. & Taylor, Monique. (2014) Citizen Participation, Community resilience and crisis management policy, Australian Journal of Political Science, Vol.49, No.2, pp.300-315
- 45) Tompkins, Emma L. (2005) Planning for climate change in small islands: Insights from national hurricane preparedness in the Cayman Islands, Glob Environment Change, Vol. 15, pp.139-149.
- 46) Yamamura, Eiji. (2010) Effects of interactions among social capital, income and learning from experiences of natural disasters: A case study from Japan, Regional Studies, Vol. 44, No.48, pp.1019-1032.